



لطفاً از این طرف

سعیده اکبری نظری

یکی از بسترهای تمرین حل مسئله این است که در مدارس، به دادن اطلاعات اکتفا نشود، بلکه به دانش‌آموزان اجازه داده شود که خود مسئله را حل کنند

صورت مسئله وجود دارد. برای مثال در درسی مانند تاریخ، معلم می‌تواند وقایعی را که در طول زمان اتفاق افتاده است، به ترتیب، به صورت قصه مطرح کند و در کلاس تنها او متکلم باشد، اما روش دیگر این است که موقعیت و شرایط آن دوره را مطرح کند و از بچه‌ها بخواهد خود را به جای پادشاه یا مردم آن دوره قرار دهند و راه‌حل‌هایی را که برای حل مشکل آن مقطع زمانی به ذهنشان می‌رسد مطرح و در کنار آن، دیدگاه‌های یکدیگر و در نهایت اتفاقی را که در تاریخ افتاده است، بررسی و آسیب‌شناسی کنند. بسیاری دروس دیگر مانند معارف، علوم اجتماعی، ادبیات و... نیز فرصت مناسبی برای تمرین این مهارت است.

در واقع در کلاس درس معلم باید کنار دانش‌آموزان قرار گیرد، مسئله‌ای را پیش روی آن‌ها قرار دهد و اجازه دهد با بررسی راه‌های متفاوت، به نتیجه برسند. در این میان، نقش او تنها راهنمایی برای رسیدن به مقصد است، نه رساندن دانش‌آموز با چشم‌های بسته به نقطه پایان؛ خطایی که اغلب ما مرتکب آن می‌شویم و نتیجه آن تربیت نسلی شکننده خواهد بود؛ نسلی که وقتی در زندگی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، انتظار دارد کسی نقش کتاب حل مسائل را برایش ایفا کند و اگر آن کتاب را نیافت، به این نتیجه می‌رسد که حتماً راه‌حلی برای این مشکل وجود ندارد و این پایان راه و آغاز بدبختی است.

روش تدریس و ارائه مسائل توسط ما، می‌تواند پایه‌گذار سبک زندگی فرزندانمان در آینده باشد. پس تلاش کنیم تا با مطالعه و یادگیری شیوه‌های کارآمد در ارائه مطالب درسی، در کنار آموزش عناوین هر واحد درسی، خوب زیستن را نیز در کلاس‌مان تمرین کنیم.

چه کنیم؟ این اساسی‌ترین مسئله زندگی انسان‌هاست. همه ما از وقتی چشم باز می‌کنیم، خود را در جهانی پیچ پیچ می‌یابیم که در کلی‌ترین جنبه‌های زندگی تا جزئی‌ترین آن‌ها، با «چه کنیم»‌های متعددی مواجه می‌شویم.

در تاریخ زندگی بشر و در جوامع بشری، به مرور سنت‌های فرهنگی شکل گرفته‌اند. این سنت‌ها پاسخ بسیاری از این «چه کنیم»‌ها را می‌دهند و به طور طبیعی بسیاری از مسائل ما از پیش حل شده‌اند. اما صرف‌نظر از این که اگر کسی به صورت کورکورانه از سنت‌ها تبعیت کند، فاقد زندگی اصیل است، در زندگی امروزی با توجه به تغییرات سریعی که پیرامون ما شکل می‌گیرد، سنت‌های ما در حال از دست دادن تسلط خود هستند و در بسیاری از مسائل جدید نیز هنوز سنتی حاکم نشده است. بنابراین، هر یک از ما در زندگی با مسائلی مواجه هستیم که پاسخ آن‌ها را نمی‌توانیم با مراجعه به سنت به دست آوریم و باید به «مهارت حل مسئله» مجهز باشیم.

این مهارت نیز مانند سایر مهارت‌ها نیازمند تمرین است. یعنی برای حل مسائل مهم زندگی‌مان باید از همان کودکی، با مسائل گوناگون مواجه شویم و با کمک راهنما، با روش حل مسئله، انواع راه‌حل‌ها و نتایج آشنا شویم.

یکی از بسترهای تمرین حل مسئله این است که در مدارس، برای درس‌های تخصصی و عمومی، به دادن اطلاعات اکتفا نشود، بلکه به دانش‌آموزان اجازه داده شود که خود مسئله را حل کنند. برای رسیدن به این هدف، لازم است قدم به قدم پیش برویم:

قدم اول: به تمامی بچه‌ها اطمینان دهیم که می‌توانند راه‌حلی برای هر مسئله پیدا کنند.

قدم دوم: از آن‌ها بخواهیم با بررسی مسئله، قسمت‌های پیچیده‌تر را به قسمت‌های ساده تقسیم کنند. سپس مسائل را اولویت‌بندی کنند و نکات مبهم را مشخص سازند.

قدم سوم: تمامی راه‌حل‌هایی را که به ذهنشان می‌رسد، بدون قضاوت در مورد درست یا غلط بودن آن، یادداشت کنند.

قدم چهارم: راه‌حل‌های مطرح شده را مقایسه و نتایج هر یک را بررسی کنند.

قدم آخر: بهترین و کارآمدترین راه را برای حل انتخاب کنند و ارائه دهند.

شاید در نگاه اول به نظر برسد که حل مسئله بیشتر به دروس ریاضی یا تجربی مربوط است، اما امکان ارائه تمامی دروس به



عکس: رضا بهرامی